

زبان فارسی و کوشش‌های ایرانی

سال چهارم، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۸
صفحات ۳۵-۷

DOI:10.22124/psl.2019.12680.1349

تغییرپذیری در اصطلاحات دارای نام اندام سر در زبان فارسی

ساسان ملکی^۱

دکتر محمد راسخ‌مهند^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰

چکیده

پیکره این پژوهش، شواهدی هستند که نجفی (۱۳۷۸) برای اصطلاحات دارای نام اندام سر ذکر کرده است. شیوه‌های تغییرپذیری مطرح در مون (۱۹۹۸) و لانگ‌لاتز (۲۰۰۶) هم چارچوب نظری‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد اصطلاحات نام‌اندومی زبان فارسی به واسطه فرایندهای اضافه‌سازی، جابه‌جایی نحوی، جایگزینی و حذف، در سطوح مختلف تغییرپذیرند. تغییرپذیری در سطح نحوی به صورت پس‌اندش‌دگی، قلب نحوی، مصدرشدگی و اسم مصدرشدگی، مجهول‌شدگی، تغییرپذیری نقشی، اضافه‌سازی گروه حرف‌افزای و حذف فعل دیده می‌شود. در سطح معنایی، تغییرپذیری از طریق چندمعنایی و ایهام‌شدگی روی می‌دهد. تغییرپذیری در سطح واژگانی شامل فرایندهای اضافه‌سازی اسم، صفت، قید، جایگزینی اسم، جایگزینی فعل و حذف فعل است و در سطح واژی - نحوی نیز اضافه‌سازی یای نکره و نشانه‌های جمع مشاهده شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فرایندهای اضافه‌سازی و جابه‌جایی نحوی، نشانگر تمایل اصطلاحات به رعایت اصل تصویرگونگی کمیت و تصویرگونگی پیچیدگی هستند. در عین حال، فرایندهای چندمعنایی، ایهام‌سازی، تغییرپذیری نقشی و حذف، نشان از رعایت اصل اقتصاد می‌دهند.

واژگان کلیدی: اصطلاحات، تغییرپذیری، نام اندام، تصویرگونگی، اقتصاد زبانی

✉ sassanmaleki@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

۲. استاد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

۱- مقدمه

تعریف انواع اصطلاحات، به واسطه گستردگی دامنه و ویژگی‌های منحصر به فرد معنایی و نحوی آنها کار آسانی نیست. در این مقاله، اصطلاحات را هر توالی واژگانی یا نحوی متعارف^۱ یا غیرمتعارف^۲ در نظر می‌گیریم که رابطه بین صورت و معنا در آن قراردادی^۳ باشد. متعارف بودن و متعارف نبودن واژگان و توالی نحوی در اصطلاحات را نخستین بار فیلمور و همکاران^۴ (۱۹۹۸) مطرح کردند. قراردادی بودن هم در سنت زبان‌شناسی شناختی به این معناست که صرفاً با در نظر گرفتن معنای تحت‌اللفظی اجزای سازنده یک اصطلاح، نتوانیم معنای یک اصطلاح را به‌طور کامل حدس بزنیم (نانبرگ و همکاران^۵، ۱۹۹۴). قراردادی بودن وجود سازوکارهای شناختی مجاز، استعاره و دانش متعارف^۶ را در تبیین رابطه مفهومی بین اجزا و صورت در اصطلاح نفی نمی‌کند و از این منظر لزوماً برابر با ترکیب‌ناپذیری^۷ نیست. در نگرش ترکیب‌ناپذیری به اصطلاحات، معمولاً اشاره‌ای به وجود سازوکارهای شناختی و ربط این سازوکارها در تبیین مفهوم کلی اصطلاحات نمی‌شود. در ذیل، نمونه‌هایی از اصطلاحات فارسی براساس تعریف یادشده آمده‌است. اصطلاحات با حروف مورب مشخص شده‌اند.

۱- سرم را برد از بس که از مامان خوش‌فکرش حرف زد (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۱۰۱).

۲- الف- گریه را سر دادم و حالا گریه نکن کی گریه کن (آل‌احمد، ۱۳۳۱: ۱۰۷).

ب- این را گفت و حالا نزن کی بزنی (مینوی، ۱۳۴۹: ۱۱۴).

۳- سر ده شاهی الم شنگه به پا می‌کرد (هدایت، ۱۳۳۰: ۴۹).

در مثال (۱)، واژه متعارف سر در یک توالی نحوی متعارف قرار گرفته‌است و اصطلاح بودن این عبارت به واسطه قراردادی بودن رابطه صورت و معناست. در مثال‌های (۲) الف و (۳) ب اصطلاح صوری^۸ حالا + فعل نهی + کی + فعل امر، با واژگان متعارف در یک توالی نحوی غیرمتعارف قرار گرفته‌است و بر مفهوم تکرار بی‌پایه دلالت دارد. اصطلاحات صوری را فیلمور و همکاران (۱۹۹۸) و کالی کاور و همکاران^۹ (۲۰۱۷) به‌طور مبسوط بررسی کرده‌اند. در مثال (۳)

1. familiar
2. unfamiliar
3. conventional
4. Filmore et al.
5. Nunberg et al.
6. conventional knowledge
7. non-compositionality
8. formal
9. Culicover et al.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هم ترکیب واژگانی غیرمتعارف/الم شنگه در توالی نحوی متعارف/الم شنگه به پا کردن قرار گرفته است. این ترکیب واژگانی را در فرهنگ فارسی عمید (۱۳۷۸) راستی آزمایی کردیم و کاربرد غیراصطلاحی برای آن نیافتیم.

مقاله حاضر به بررسی تغییرپذیری در اصطلاحات نام‌اندازی دارای واژه سر در زبان فارسی می‌پردازد. تغییرپذیری به معنای کاربرد صورت‌های مختلف نحوی، معنایی، واژگانی و واژی - نحوی یک اصطلاح در بافت‌های مختلف است. مثلاً، اصطلاح به سر کسی ریختن در مثال (۴) جابه‌جایی نحوی از نوع پسایندشده^۱ را نشان می‌دهد:

۴ - بعد از اینکه سرش را گذاشت زمین، ما اولادش چکار کردیم؟ ... همه ریختند سر من که یا الله داداش باید ارث قسمت بشود (فصیح، ۱۳۵۲: ۳۳۳).

در مقاله برآنیم تا به این سؤالات پاسخ دهیم که انواع تغییرپذیری در اصطلاحات زبان فارسی کدامند؟ تغییرپذیری را چه فرایندهایی انجام می‌دهند؟ و تبیین نقشی تغییرپذیری اصطلاحات زبان فارسی چیست؟ فرض ما این است که اصطلاحات زبان فارسی در سطوح نحوی، معنایی، واژگانی و واژی - نحوی تغییرپذیرند و تغییرپذیری با فرایندهای اضافه‌سازی، حذف، جابه‌جایی و جایگزینی انجام می‌شود. همچنین دو عامل نقشی تصویرگونگی و اقتصاد تبیین‌کننده تغییرپذیری در سطوح نحوی، معنایی و واژی - نحوی هستند.

پیکره این پژوهش، شواهد نجفی (۱۳۷۸) برای اصطلاحات نام‌اندازی دارای واژه سر است. صورت بنیادین هر اصطلاح، یعنی صورت خارج از بافت کاربردی را به همان صورتی خواهیم آورد که نجفی (۱۳۷۸) مدخل آورده است و در بحث شیوه‌های تغییرپذیری نیز منابع اصلی شواهد نجفی (۱۳۷۸) را بیان می‌کنیم. چارچوب‌های نظری این پژوهش رویکردهای توصیفی مون^۲ (۱۹۹۸) و لانگ‌لاتز^۳ (۲۰۰۶) هستند.

۲- مروری بر مطالعات پیشین

مطالعات مربوط به اصطلاحات از منظر زبان‌شناسی پیشینه چندان طولانی ندارد. بی‌توجهی جدی به اصطلاحات در دوران مطالعات ساختارگرایانه و توجه به حوزه‌هایی چون واج‌شناسی، صرف و نحو کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید. از اواخر دهه پنجاه میلادی به بعد و هم‌زمان با

1. postponing

2. Moon

3. Langlotz

گسترش مکتب زایشی - گشتاری و تمرکز ویژه بر حوزه نحو، این سنت کم‌وبیش ادامه یافت. اما، در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی همراه با پیدایش و گسترش زبان‌شناسی شناختی و تمرکز بر حوزه‌های مجاز و استعاره، مطالعه اصطلاحات چهره جدیدی به خود گرفت و از سال ۱۹۹۰ به طور معنادار افزایش یافت (لی‌یو و شن^۱، ۲۰۱۳).

دو نگرش اصلی برای تعریف ماهیت معنایی اصطلاحات وجود دارد. در نگرش نخست، اصطلاحات پدیده‌هایی ترکیب‌ناپذیر و منجمد تلقی می‌شوند که معنای آنها برابر با ترکیب معنای اجزای سازنده نیست (چامسکی^۲، ۱۹۸۰؛ مک کارتی و اولدل^۳، ۲۰۰۲؛ کتز و پستال^۴، ۱۹۶۳؛ ماکونیس^۵، ۱۹۸۵؛ ون در لیندن^۶، ۱۹۹۲؛ واین‌رایک^۷، ۱۹۶۶؛ وود^۸، ۱۹۸۶: ۲). اما در دیدگاه دوم، اصطلاحات دارای نظامی مفهومی و انگیزه^۹ هستند و سازوکارهای شناختی استعاره، مجاز و دانش متعارف، بین اجزای تشکیل‌دهنده یک اصطلاح و مفهوم کلی آن، نوعی ارتباط معنایی برقرار می‌کند. دیدگاه نخست، دیدگاه رایج در نگرش‌های صورت‌گرا (استون^{۱۰}، ۲۰۱۶: ۲۱) و دیدگاه دوم، دیدگاه مطرح در نگرش شناختی است.

۲-۱- اصطلاحات از دیدگاه زبان‌شناسی صورت‌گرا

به نظر می‌رسد کتز و پستال (۱۹۶۳) از پیشگامان بررسی اصطلاحات از نگاه زایشی هستند (سنالدی^{۱۱}، ۲۰۱۴: ۲۹) و مطالعه آنها بر سایر مطالعات زایشی تأثیرگذار بوده‌است. کتز و پستال (۱۹۶۳) اعتقاد دارند که اصطلاحات ترکیب‌پذیر نیستند و ویژگی اصلی یک اصطلاح این است که معنای کامل آن حاصل ترکیب اجزای سازنده آن اصطلاح نیست (کتز و پستال، ۱۹۶۳: ۱۷۵). کتز و پستال (۱۹۶۳) اصطلاحات را به انواع واژگانی^{۱۲} و گروهی^{۱۳} تفکیک می‌کنند.

1. Liu and Shen
2. Chomsky
3. McCarthy and O'Dell
4. Katz and Postal
5. Machonis
6. Van der Linden
7. Weinreich
8. Wood
9. motivated
10. Stone
11. Senaldi
12. lexical
13. phrase

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اصطلاحات واژگانی می‌توانند اسم، فعل یا صفت باشند و در بخش واژگان ذهنی ذخیره می‌گردند. این اصطلاحات به واسطه ماهیت واژگانی خود، چالشی برای نگرش زایشی به زبان محسوب نمی‌شوند و همانند سایر واژگان در بخش نحوی تحلیل می‌گردند. اما اصطلاحات گروهی، که معنای اصطلاحی و هم تحت‌اللفظی دارند، در بخش جداگانه‌ای از واژگان ذهنی فهرست می‌شوند. بدین ترتیب، حوزه واژگان ذهن دارای دو بخش جداگانه برای واژگان و اصطلاح است. اصطلاح kick the bucket (مردن) از نوع گروهی و دارای دو معناست و معنای تحت‌اللفظی آن لگد زدن به سطل و معنای اصطلاحی آن مردن است. از دیدگاه کتز و پستال (۱۹۶۳) مجهول‌شدگی در اصطلاحات گروهی باعث تغییر معنای اصطلاحی به معنای تحت‌اللفظی می‌شود. مثلاً، مجهول‌شدگی در اصطلاح kick the bucket (مردن) باعث می‌شود معنای آن صرفاً لگد زدن به سطل باشد.

فریزر^۱ (۱۹۷۰) گشتارپذیری اصطلاحات را با عنوان سلسله‌مراتب انجماد^۲ بررسی کرد. در این سلسله‌مراتب، اصطلاحات با توجه به مقدار گشتارپذیری به هفت دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول اصطلاحاتی است که از لحاظ نحوی کاملاً منجمد هستند و هیچ گشتاری بر آنها اعمال نمی‌شود و دسته آخر اصطلاحاتی‌اند که بدون از دست دادن معنای اصطلاحی، کاملاً گشتارپذیرند. بین این دو گروه سایر اصطلاحات با درجات مختلف گشتارپذیری قرار می‌گیرند. مثلاً، اصطلاح pass the buck (توپ را در زمین دیگران انداختن) در سطح هفتم واقع می‌شود و بدون محدودیت گشتارپذیر است و اصطلاح blow off steam (دود از کله کسی بلند شدن) در سطح صفر قرار می‌گیرد و گشتارپذیر نیست. البته، سلسله‌مراتب گشتارپذیری منتقدانی نیز دارد و اصطلاحاتی یافت شدند که براساس سلسله‌مراتب انجماد توصیف نمی‌شوند (دانگ^۳، ۱۹۷۱؛ ماکایی^۴، ۱۹۷۲). با این همه، اهمیت تحلیل فریزر (۱۹۷۰) در این است که او بحث انجماد در اصطلاحات را به صورت یک پیوستار تحلیل می‌کند (وولف^۵، ۲۰۰۸: ۶۹).

1. Frazer
2. frozenness hierarchy
3. Dong
4. Makkai
5. Wulff

۲-۲- اصطلاحات از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی

در دیدگاه شناختی، اصطلاحات به‌مثابه نظامی مفهومی و انگیزه بر پایه سازوکارهای استعاره، مجاز و دانش متعارف تحلیل می‌شود. ایراد اصلی که بر تحلیل اصطلاحات در نگرش‌های غیرشناختی می‌توان وارد دانست این است که آنها بحث ترکیب‌پذیری و ترکیب‌ناپذیری را بر قیاس جملات متعارف و روابط زبانی متعارف طرح می‌کنند، درحالی‌که روابط بین واژه‌ها در اصطلاحات از نوع روابط مفهومی مبتنی بر سازوکارهای شناختی است. به کلام دیگر، در دیدگاه‌های غیرشناختی، اصطلاحات بخشی از واژگان‌اند، پدیده‌های صرفاً زبانی‌اند که هیچ وابستگی با نظام مفهومی ندارند. درنتیجه، هرچه بر سایر واحدهای واژگانی صدق می‌کند را بر اصطلاح نیز وارد می‌دانند و از آنجا که ترکیب‌پذیری معنایی، ویژگی جدانپذیر ساخت‌های متعارف زبانی است، براساس دیدگاه‌های غیرشناختی، اصطلاحات را ترکیب‌ناپذیر می‌دانند زیرا با ترکیب معنای اجزای سازنده نمی‌توان به معنای اصطلاحات پی برد.

از میان پژوهش‌ها با نگرش شناختی می‌توانیم به کووچش و سابو^۱ (۱۹۹۶) اشاره کنیم که با طرح مفهوم انگیزه‌نگاری، به بررسی سازوکارهای شناختی مجاز و استعاره در اصطلاحات می‌پردازند. از دیدگاه آنها، بسیاری از اصطلاحات، انگیزه هستند. البته انگیزه‌نگاری لزوماً برابر با قابلیت پیش‌بینی مفهوم اصطلاح نیست و گاه هیچ انگیزه مفهومی برای معنای یک اصطلاح مانند kick the bucket (مردن) وجود ندارد.

دامنه اصطلاحات از دیدگاه کووچش و سابو (۱۹۹۶) شامل استعاره‌ها (spill the beans / لو دادن)، مجازها (throw up one's hands / دل‌کندن)، جفت‌های واژگانی (cats and dogs / گربه) و اصطلاحات شامل (live it up / خوش بودن)، تشبیهات (as easy as pie / به راحتی آب خوردن)، قول معروف‌ها^۲ (a bird in the hand is worth two in the bush / سیلی نقد به از حلوا می‌نسیه)، فعل‌گروهی‌ها (come up / بالا آمدن، برخورد کردن) و اصطلاحات دستوری (let alone / چه رسد به اینکه) می‌شوند.

نانبرگ و همکاران^۳ (۱۹۹۴) نیز در چارچوب زبان‌شناسی شناختی، اصطلاحات را به انواع عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی^۴ و عبارت‌های اصطلاحی^۵ تقسیم‌بندی می‌کنند. در عبارت‌های

1. Kovecsez and Szabo
2. sayings
3. Nunberg et al.
4. idiomatically combining expressions
5. idiomatic phrases

ترکیبی اصطلاحی، بین معنای اصطلاح و معنای واژه‌های سازنده اصطلاح می‌توان ارتباط مفهومی برقرار کرد، اما در عبارتهای اصطلاحی چنین رابطه‌ای وجود ندارد. اصطلاح pull strings (پارتنی بازی کردن، دیگران را کنترل کردن) از نوع عبارت ترکیبی اصطلاحی است و اصطلاح kick the bucket (مردن) از نوع عبارت اصطلاحی است. به اعتقاد نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴) ویژگی‌های اصطلاحات عبارت‌اند از: قراردادی بودن، انعطاف‌ناپذیری^۱، داشتن صنایع بدیعی^۲، مثل بودن^۳، غیررسمی بودن^۴ و اثرگذاری عاطفی^۵.

قراردادی بودن به این معناست که صرفاً براساس دانش خود از معنای تحت‌اللفظی اجزای سازنده یک اصطلاح نمی‌توانیم به طور کامل به معنای آن اصطلاح پی ببریم، اما وجود سازوکارهای دیگر برای درک مفهوم یک اصطلاح نفی نمی‌شود. از این رو، قراردادی بودن برابر با مفهوم انگیختگی کووچش و سابو (۱۹۹۶) است. انعطاف‌ناپذیری هم اشاره به محدودیت‌های نحوی و ساختی در اصطلاحات دارد. مثلاً، اصطلاح to shot the breeze (وراجی کردن) صورت مجهول *the breeze was shot* ندارد. داشتن صنایع بدیعی به وجود سازوکارهای شناختی استعاره و مجاز در اصطلاحات اشاره می‌کند. مثل بودن به این معناست که اصطلاحات را به واسطه تشابه آن با پدیده‌های عینی و فیزیکی برای توصیف یک موقعیت اجتماعی مطلوب به کار می‌بریم. مثلاً، آسانی و سهولت را با as easy as pie (به راحتی آب خوردن) بیان کنیم. غیررسمی بودن نیز به این معناست که اصطلاحات معمولاً در بافت غیررسمی به کار می‌روند. معنی اثرگذاری عاطفی هم این است که اصطلاحات را بیشتر برای بیان یک نگرش خاص یا یک حالت عاطفی استفاده می‌کنیم و در توصیف موقعیت‌های خنثی مثل خرید بلیط و خواندن کتاب کاربرد ندارند. از نظر نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴) به جز قراردادی بودن، سایر موارد از ویژگی‌های ضروری و لازم برای همه اصطلاحات نیستند.

۲-۳- اصطلاحات از منظر تغییرپذیری

تغییرپذیری به نظریه‌ای خاص در زبان‌شناسی تعلق ندارد (استون، ۲۰۱۶: ۵۳-۶۲). تغییرپذیری در اصطلاحات به این معناست که این عبارتهای می‌توانند در بافتهای مختلف به صورتهای

1. inflexibility
2. figuration
3. proverbiality
4. informality
5. affect

مختلف نحوی، معنایی، واژگانی و واژی - نحوی به کار روند. مطالعات اخیر پیکره‌بنیاد نشان می‌دهد که اصطلاحات به طور گسترده‌ای تغییرپذیر هستند (مون، ۱۹۹۸؛ لانگ‌لاتز، ۲۰۰۶؛ اشرودر^۱، ۲۰۱۳؛ استون، ۲۰۱۶).

وولف (۲۰۰۸) در پژوهشی پیکره‌بنیاد به بررسی تغییرپذیری در ساخت‌های اصطلاحی از نوع فعل - گروه اسمی مانند make headway (پیشروی) می‌پردازد و اصطلاح‌بودن را در قالب پیوستار تحلیل می‌کند (وولف، ۲۰۰۸: ۲). از یافته‌های وی این است که افعال اصطلاحی از لحاظ صرفی (زمان، نمود، وجه، عدد و شخص) بسیار تغییرپذیرند. اشرودر (۲۰۱۳) در بررسی پیکره‌بنیاد خود در خصوص تغییرپذیری نحوی در اصطلاحات به این نتیجه رسیده‌است که بیشترین انواع تغییرپذیری مربوط به تغییرپذیری وصفی و قیدی است. استون (۲۰۱۶: ۶۲-۵۳) نیز به بررسی تغییرپذیری نحوی در اصطلاحات با توالی نحوی فعل + مفعول می‌پردازد.

۲-۴- بررسی زبان‌شناختی اصطلاحات در زبان فارسی

زبان فارسی در زمینه اصطلاحات نیاز به پژوهش‌های بیشتری از منظر زبان‌شناسی دارد. راسخ‌مهند و شمس‌الدینی (۱۳۹۱) در چارچوب معنی‌شناسی شناختی به بررسی سازوکارهای استعاره، مجاز و دانش متعارف در تولید و درک اصطلاحات فارسی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که در زبان فارسی، تعداد اصطلاحات شفاف بسیار بیشتر از اصطلاحات تیره است. اصطلاح آتش کسی تند بودن از نوع شفاف است و بر پایه استعاره شکل گرفته‌است و اصطلاح خود را به کوچ‌علی چپ زدن، از نوع تیره است و سازوکاری شناختی را نمی‌توان برای آن در نظر گرفت. آنها همچنین به این نکته اشاره کرده‌اند که در شکل‌گیری برخی از اصطلاحات فارسی، بیش از یک سازوکار شناختی دخالت دارد. به عنوان مثال، در اصطلاح دست گرفتن (به معنای مشغول شدن و پرداختن) دو فرایند مجاز و استعاره قابل درک است. طبیب‌زاده (۱۳۹۳ الف: ۱۰۹) اعتقاد دارد که روابط نحوی خاصی میان اجزای اصطلاحات وجود دارد. مثلاً، عبارتهای فعلی به ریش کسی خندیدن و پا روی دم کسی گذاشتن در ضمیر دارند. وی از این جهت، اصطلاحات را عبارتهای فعلی ضمیردار می‌نامد. طبیب‌زاده (۱۳۹۳ ب) همچنین به ضبط و طبقه‌بندی عمده افعال اصطلاحی در زبان فارسی می‌پردازد.

1. Schroder

نغزگوی کهن و ملکی (۱۳۹۸) در بررسی شناختی طرح‌واره‌های مالکیت در زبان فارسی اشاره می‌کنند که طرح‌واره مکانی در فارسی امروز، فقط در بعضی از اصطلاحات مثل چیزی زیر پای کسی گذاشتن وجود دارد. آنها همچنین اصطلاحاتی مانند دست کسی را کوتاه کردن را تحلیل می‌کنند که برای اتمام مالکیت به کار می‌روند.

۳- چارچوب نظری

به اعتقاد جی رارت (۲۰۱۶: ۸) و وولف (۲۰۰۶: ۷۱)، بررسی مون (۱۹۹۸) کامل‌ترین توصیف پیکره‌بنیاد از شیوه‌های تغییرپذیری در اصطلاحات است. مون (۱۹۹۸) مواردی چون تغییرپذیری فعل‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها، خاص‌شدگی و تشدید^۱ و مختصرسازی^۲ را از انواع تغییرپذیری واژگانی^۳ به شمار می‌آورد و مواردی مانند سببی‌شدگی در اصطلاحات را از نوع تغییرپذیری نظام‌مند^۴ می‌داند. در ذیل به بیان نمونه‌هایی از انواع تغییرپذیری مطرح در مون (۱۹۹۸) می‌پردازیم. موارد تغییرپذیر به صورت مورب مشخص شده‌اند:

الف- تغییرپذیری در فعل

در این حالت، می‌توان یک فعل را جای فعل دیگری نشان داد به گونه‌ای که در مفهوم کلی اصطلاح تغییرپذیری ایجاد نشود. اصطلاح زیر می‌تواند با هر دو فعل مشخص شده به کار رود.

5. *set/start the ball rolling*

کاری را راه انداختن

ب- تغییرپذیری در اسم

در روند تغییرپذیری اسم در اصطلاحات، جایگزین‌ها معمولاً مترادف هستند. در اصطلاح زیر واژه *calm* مترادف *lull* (هر دو واژه به معنای آرام) است:

6. *the calm/lull before storm*

آرامش قبل از طوفان

ج- تغییرپذیری در صفت

صفت‌های تغییرپذیر می‌توانند مترادف باشند؛ مثال (۷)، یا مترادف نباشند؛ مثال (۸):

1. specificity and amplification
2. truncation
3. lexical variation
4. systematic variation

7. *close/near to the bone*

کارد به استخوان رسیدن

8. *bleed someone dry/white*

شیره کسی را کشیدن

د- خاص‌شدگی و تشدید

خاص‌شدگی و تشدید به معنای اضافه‌کردن عناصر واژگانی برای تأکید در اصطلاح است. در مثال زیر، به اصطلاح (۹) صفت *hot* (به معنای تحت‌اللفظی داغ) اضافه شده‌است.

9. *like a (hot) knife through butter*

به سرعت عبور کردن

ه- مختصرسازی

مختصرسازی به معنای حذف بخشی از یک عبارت اصطلاحی است.

10. *make hay (while the sun shines)*

(تا تنور گرم هست) نان را بچسبان

و- ساخت‌های سببی

گاه یک اصطلاح در یک بافت، توصیفگر یک حالت یا یک عمل است (۱۱) و در بافتی دیگر به صورت ساخت سببی به کار می‌رود (۱۲). در این نوع تغییرپذیری، کنش‌پذیر در یک بافت در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد (۱۱) و در بافتی دیگر، مفعول حرف اضافه است (۱۲):

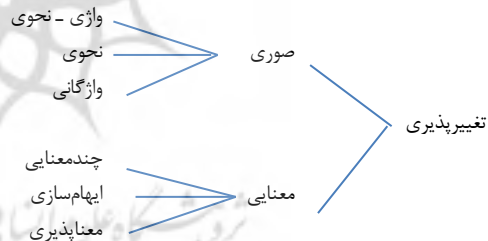
11. *ONE's heart hardens*

احساس کسی سرکوب شدن

12. *harden ONE's heart (towards SOMEONE)*

پا روی احساس خود (نسبت به کسی) گذاشتن

لانگ‌لاتز (۲۰۰۶: ۱۷۹-۱۸۲) نیز تغییرپذیری را به انواع صوری و معنایی تقسیم‌بندی می‌کند. تغییرپذیری صوری، تغییرپذیری‌های واژی-نحوی، نحوی و واژگانی است و تغییرپذیری معنایی، چندمعنایی، ابهام‌شدگی^۱ و معناپذیری^۲.



نمودار (۱): دسته‌بندی شیوه‌های تغییرپذیری لانگ‌لاتز (۲۰۰۶)

1. *ambiguation*2. *meaning adaptation*

ز - تغییرپذیری واژی - نحوی

این حالت از تغییرپذیری، تصریف فعل، جمع‌سازی اسم و کاربرد آزادانه معرف‌ها و سورها است. به‌عنوان مثال، به اصطلاح *swallow the bitter pill* (به کار ناخوشایند تن دادن) در بافت زیر، *some* (برخی) اضافه شده‌است و اسم *pill* هم به صورت جمع به کار رفته‌است:

13. The traditionalist camp had to swallow *some bitter pills*.

گروه سنت‌گرا مجبور شد به برخی از اعمال ناخوشایند تن در دهد.

ح - تغییرپذیری نحوی

تغییرپذیری نحوی به معنای ایجاد هرگونه تغییرات نحوی در صورت بنیادین اصطلاح است. در مثال زیر، به اصطلاح *upset the applecart* (کاسه کوزه‌ها را برهم زدن، نقشه‌های کسی را نقش بر آب کردن) گروه متممی همراه *of* اضافه شده‌است.

14. All this has *upset the applecart of the relation of fertility to prosperity*.

همه آنها باعث برهم خوردن نقشه رابطه بین حاصل‌خیزی و ثروت شده‌است.

ط - تغییرپذیری واژگانی

تغییرپذیری واژگانی به معنای جانشین‌سازی واژگان یک اصطلاح با واژگان دیگر است.

15. a *hard/tough* row to hoe

کار طاقت‌فرسا

ی - تغییرپذیری به صورت چندمعنایی

در اصطلاحات چندمعنا، صورت از منظر نحو و واژگان تغییر نمی‌کند اما معنا تغییر می‌یابد و تمایز معنایی این‌گونه اصطلاحات فقط در بافت قابل درک است. لانگ‌لاتز (۲۰۰۶) مثالی از این نوع تغییرپذیری بیان نمی‌کند، اما در زبان فارسی، اصطلاحات چندمعنا وجود دارند. به عنوان مثال، اصطلاح *سر خود را زمین گذاشتن* دارای دو معنای *استراحت کردن* و *مردن* است و این دو معنا در مشخصه [دراز کشیدن] اشتراک دارند.

۱۶- الف- انشاءالله یک وقت دیگر. حالا حال ندارم. می‌خواهم یک دقیقه سرم را بگذارم زمین (میرصادقی،

۱۳۵۰: ۱۱۴).

ب- شوهرت سرش را بگذارد زمین دستت به هیچ‌جا بند نیست (بهرامی، ۱۳۵۸: ۱۴).

ک - تغییرپذیری به صورت ایهام‌سازی

ایهام‌سازی فرایندی است که طی آن ظرفیت معنایی اصطلاحات را در بافت‌های مختلف می‌توان تغییر داد. به کلام دیگر، در ایهام‌سازی معنای تحت‌اللفظی در کنار معنای اصطلاحی

فعال می‌شود. در مثال زیر، معنای تحت‌اللفظی عبارت *have a good nose* (حس بویایی خوبی داشته باش)، در کنار معنای اصطلاحی *have a nose for something* (حس ششم داشتن) فعال شده‌است.

17. If you like wine, have a good nose.

اگر شراب دوست داری، باید حس بویایی خوبی داشته باشی.

ل - تغییرپذیری به صورت معناپذیری

گاهی به واسطه اضافه‌سازی یک ساخت واژگانی - دستوری یا تغییرپذیری ناشی از جابه‌جایی نحوی در یک اصطلاح، معنا دستخوش تغییر می‌شود. به این حالت، معناپذیری گفته می‌شود. مثلاً، اصطلاح *upset the applecart* (کاسه کوزه‌ها را برهم زدن، نقشه‌های کسی را نقش بر آب کردن) در بافت زیر، به واسطه اضافه‌سازی عبارت وصفی *the most ponderous* (سنگین‌ترین، وزین‌ترین)، از لحاظ معنایی شدت یافته‌است:

18. ...this time overturning the most ponderous applecart of all.

... این بار موجب آن شده‌است که دقیق‌ترین نقشه‌ها نقش بر آب شود.

۴- تغییرپذیری در اصطلاحات دارای نام‌اندام سر در زبان فارسی

نام‌اندام سر با فراوانی حضور در ۲۴۸ اصطلاح فارسی در نجفی (۱۳۷۸)، رتبه نخست را دارد و پس از آن نام‌اندام دست با حضور در ۲۱۰ اصطلاح، در جایگاه دوم است. بررسی‌ها نشان داد که ۱۲۱ اصطلاح دارای نام‌اندام سر، در سطوح واژی - نحوی، واژگانی، نحوی و معنایی تغییرپذیر هستند. از این تعداد، ۶۲ اصطلاح نیز با بیش از یک نوع تغییرپذیری در شواهد مشاهده شدند. همچنین، بررسی‌ها نشان داد که تغییرپذیری با استفاده از چهار فرایند اضافه‌سازی، جابه‌جایی نحوی، جایگزینی و حذف انجام می‌شود. در ذیل، به بررسی سطوح تغییرپذیری و فرایندهای چهارگانه مرتبط با آنها می‌پردازیم. برای رعایت اختصار، هر جا که از اصطلاحات نام می‌بریم، منظور همان اصطلاحات دارای نام‌اندام سر است.

۴-۱- تغییرپذیری نحوی

تغییرپذیری نحوی اصطلاحات به صورت فرایندهای جابه‌جایی نحوی، اضافه‌سازی، حذف و تغییرپذیری نقشی دیده می‌شود. جابه‌جایی نحوی به صورت پس‌اندیشدگی، قلب نحوی،

مصدرشدگی و اسم‌مصدرشدگی، سببی‌شدگی و مجهول‌شدگی و اضافه‌سازی به صورت اضافه‌سازی گروه حرف‌افزای مشاهده گردید. در تغییرپذیری نقشی، صورت اصطلاح تغییر نمی‌کند اما نقش نحوی آن در بافت تغییر می‌یابد. مثلاً، یک اصطلاح با حفظ صورت در یک جا صفت و در جای دیگر قید است.

۴-۱-۱- پسایندشدگی

قرارگرفتن سازه‌ای که جایگاه بی‌نشان آن قبل از فعل است، در جایگاه پس از فعل را پسایندشدگی می‌گویند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۱۳۱). در این مقاله، پسایندشدگی سازه‌های موجود در داخل اصطلاح را بررسی کردیم و به سازه‌های پسایندشده جمله‌ای که اصطلاح در آن واقع شده است، نپرداخته‌ایم. مثلاً، اصطلاح *سر آوردن* در جمله *گفت: سر آورده‌ای / این وقت صبح؟* (اصغری، ۱۳۷۷: ۹۱) جزء موارد پسایندشده اصطلاحی نیست، زیرا پسایندشدگی در خارج از اصطلاح صورت گرفته است و ارتباطی با تغییرپذیری اصطلاح ندارد.

در اصطلاحات (۱۹) و (۲۰) جایگاه بی‌نشان مفعول‌های حرف‌افزای *سرنجون* و *سر خانه اول* قبل از فعل است.

۱۹- به سر کسی پریدن: اگر ولش می‌کردند می‌پرید *سرنجون* شله و دمار از روزگارش در می‌آورد (آل‌احمد، ۱۳۳۳: ۷۳).

۲۰- سر خانه اول رفتن: تا حالا سه مرتبه بر دم خواباندمش. باز رفته *سر خانه اول* (میرصادقی، ۱۳۶۳: ۲۶).

راسخ‌مهند (۱۳۹۶: ۳۶۵-۳۶۶) انواع پسایندسازی در زبان فارسی براساس سازه پسایندشده را در چهار گروه فاعل، مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم و مفعول حرف‌افزای و نهایتاً مسند قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد بیشترین درصد سازه‌های پسایندشده، مربوط به مفعول غیرمستقیم و مفعول حرف‌افزای است و بعد از آن به ترتیب، مفعول مستقیم و فاعل و سپس مسند قرار دارند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از میان ۲۱ مورد اصطلاح پسایندشده، ۲۰ مورد از نوع مفعول غیرمستقیم و مفعول حرف‌افزای است و یافته‌ای برای مفعول مستقیم و فاعل نداشته‌ایم.

۴-۱-۲- قلب نحوی

به فرایند جابه‌جایی سازه‌های یک جمله، قلب نحوی می‌گویند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۶: ۳۳۴؛ راسخ‌مهند و قیاسوند، ۱۳۹۳). قلب نحوی موجب نشان‌دار شدن جمله می‌شود اما در معنای کلی جمله

تغییری پدید نمی‌آید. در بررسی قلب نحوی در اصطلاحات نیز به مانند پسایندشدگی، فقط به جابه‌جایی سازه‌های درون اصطلاح نظر داشته‌ایم. جایگاه بی‌نشان ضمیر -م در مثال (۲۱) قبل از اصطلاح است و گروه حرف‌افزای به دوستعلی در اصطلاح (۲۲) در حالت بی‌نشان، قبل از سرسلامتی دادن می‌آید.

۲۱ - (کسی را) سر دواندن: مرتب به بهانه نبودن بودجه و پست سازمانی و مجوز استخدام و از این حرفها سرم دوانده‌اند (پزشکزاد، ۱۳۵۶: ۲۵۱).

۲۲ - به کسی سرسلامتی دادن: فکر می‌کنم بد نیست یک سرسلامتی به دوستعلی بدهید (پزشکزاد، ۱۳۵۱: ۴۳۴).

۴-۱-۳- مصدرشدگی و اسم مصدرشدگی

مصدر با افزودن پسوند -ن به ستاک گذشته فعل ساخته می‌شود. مصدرها دارای ویژگی‌های اسمی و فعلی هستند، مثلاً مانند اسم می‌توانند پسوند تصریفی جمع بپذیرند و مانند فعل، قید بگیرند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۴۸۴). راسخ‌مهند (۱۳۹۶: ۴۰۹) مهم‌ترین ویژگی‌های اسمی مصدر را قرارگرفتن در جایگاه فاعل، مفعول صریح، مفعول حرف‌افزای و ساخت اضافی می‌داند و از ویژگی‌های فعلی مصدر هم به این اشاره می‌کند که مصدرها نشانه‌های مطابقه، نمود و وجه ندارند. اسم مشتق از فعل را نیز اسم مصدر می‌گویند. یافته‌های پژوهش، تغییرپذیری اصطلاحات به صورت مصدرشدگی (۲۳-ب) و اسم مصدرشدگی (۲۴-ب) را نشان داد.

۲۳- الف- سر و کله زدن: چند روز با صاحب دکان ... سر و کله زدم تا آخر از خر شیطان پایین آمد (بابامقدم، ۱۳۴۸: ۸۶).

ب- فکر خانه رفتن و مثل همیشه با عبدالله برادر کوچکش سر و کله زدن دل او را به هم می‌زد (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۳۵).

۲۴- الف- سر در گم کردن: رنگها و آدمها و اشیاء و مناظر در هم می‌ریخت و او را گیج و سردرگم می‌کرد (همان: ۶۲).

ب- سردرگمی: می‌کوشید بیشتر و بیشتر بخواند تا بلکه از سردرگمی و گیجی نجات یابد (همان: ۲۰۸).

۴-۱-۴- سببی‌شدگی

فعل‌ها دارای دو نوع ظرفیت‌اند: نحوی و معنایی. اینکه اهل زبان می‌داند فعل خوردن نیاز به یک فاعل و یک مفعول صریح دارد، نشان‌دهنده دانش او از ظرفیت نحوی است و اینکه این فعل نیاز به یک عامل و یک پذیرا دارد، ناشی از دانش او از ظرفیت معنایی است (راسخ‌مهند،

۱۳۹۶: ۱۴۳). در معنای فعل سببی یک عامل وجود دارد که عمل را انجام می‌دهد و در معنای فعل ناگذرا این عامل حذف شده‌است و عمل، خودبه‌خود اتفاق می‌افتد. جملهٔ *غذا/ پخت*، ساخت ناگذرا و جملهٔ *علی غذا را پخت*، ساخت سببی دارد (راسخمهند، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

بررسی داده‌های پژوهش، تغییرپذیری در اصطلاحات از منظر سببی‌شدگی را نشان داد. به‌عنوان مثال، اصطلاحات (۲۵-الف) و (۲۶-الف) در ساخت ناگذرا و در مثال‌های (۲۵-ب) و (۲۶-ب) در ساخت سببی به کار رفته‌اند.

۲۵-الف- به سر کسی آمدن: من بیچاره چه می‌دانم که شوهر مرحومم را کجا خوابانده‌اند. اگر می‌دانستم که این بیچارگی به سرم نمی‌آمد (پزشکزاد، ۱۳۵۱: ۸۹).

ب- به سر کسی آوردن: آخ اگر می‌دانستی این مرد چه به سر من آورد! (مکارمی، ۱۳۴۲: ۲۹۱).

۲۶-الف- سر کسی درد گرفتن: سرمان درد گرفت از بس که منفی‌بافی می‌کنند (هدایت، ۱۳۳۱: ۱۱۴).

ب- سر کسی را درد آوردن: ببخشید سر شما را درد آوردم. این مطالب را همه می‌دانند و لازم به تکرار نبود (همان: ۲۸).

۴-۱-۵- مجهول‌شدگی

دربارهٔ جهت مجهول در زبان فارسی اتفاق نظر وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۴۷۲؛ راسخمهند، ۱۳۸۸: ۹۷-۱۰۱). ساخت مجهول در فعل‌های بسیط، به صورت صفت مفعولی + شدن است (او نامه را نوشت ← نامه نوشته شد) و در فعل‌های مرکب دارای همکرد کردن، فاقد صفت مفعولی است (کار را آغاز کردیم ← کار آغاز شد). در سایر افعال مرکب نیز این ساخت با صفت مفعولی ساخته می‌شود (کتاب را پس دادم ← کتاب پس داده شد) (طبیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۷۸).

ساخت اسنادی نیز از نظر صوری به برخی از ساخت‌های مجهول شباهت دارد. طباطبایی (۱۳۹۵: ۴۷۷) ساخت مجهول حسین کشته شد و ساخت اسنادی حسین شهید شد را مثال می‌زند تا نشان دهد ساخت مجهول از نظر صورت شبیه به ساخت اسنادی است. طباطبایی (همان‌جا) سه ملاک صوری برای تشخیص این دو ساخت ارائه داده‌است: ساخت مجهول با فعل بودن به کار نمی‌رود (*حسین کشته‌است)؛ این ساخت را نمی‌توان با همکرد کردن به ساخت سببی تبدیل کرد (*آنها حسین را کشته کردند)؛ نهاد این ساخت مجهول نمی‌تواند با صفت کشته توصیف شود (*حسین کشته).

با استفاده از ملاک دوم نمی‌توان مجهول‌بودگی را در اصطلاحات تشخیص داد. مثلاً، اصطلاح سر به نیست شدن (۲۷-ب) با استفاده از همکرد کردن سببی می‌شود (۲۷-الف). در

ذیل با استفاده از ملاک‌های معنایی و صوری راسخ‌مهند (۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۵) و طیب‌زاده (۱۳۹۳) نشان خواهیم داد اصطلاحات (۲۷-ب) و (۲۸-ب) مجهول هستند.

راسخ‌مهند (۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۵) اعتقاد دارد معلوم و مجهول از حیث ظرفیت معنایی با هم تفاوتی ندارند. به اعتقاد وی، قیدهایی که به عامدانه بودن عمل عامل اشاره دارند، در جملات معلوم و ساخت مجهول متناظر آنها کاربرد دارند (علی عمداً شیشه را شکست ← شیشه عمداً شکسته شد). اضافه بر این، در ساخت مجهول می‌توان عامل جمله را به صورت متمم حرف‌افزای در جمله آورد (اژدها به دست فریدون کشته شد) و به آن بند قیدی هدف اضافه کرد (علی کشته شد تا اموالش غارت شود). طیب‌زاده (۱۳۹۳) نیز عنوان می‌کند که جمله‌های مجهول به دلیل وجود کنشگر مستتر نمی‌توانند با قید خودبه‌خود به کار روند، اما قید عمداً را می‌توان در آنها به کار برد. همچنین، اگر بتوان فعل شدن را بدون تغییر معنای جمله به بودن / استن تبدیل کرد، آن جمله قطعاً مجهول نیست.

بررسی داده‌های پژوهش نشان داد برخی اصطلاحات به صورت مجهول هم به کار می‌روند. مجهول بودن مثال (۲۷-ب) را با ملاک‌های راسخ‌مهند (۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۵) و طیب‌زاده (۱۳۹۳) می‌سنجیم: دو نفر از رفقای اسد عمداً سر به نیست شده‌اند، دو نفر از رفقای اسد به دست علی سر به نیست شده‌اند، دو نفر از رفقای اسد سر به نیست شده‌اند تا رازها برملا نشود، *دو نفر از رفقای اسد خودبه‌خود سر به نیست شده‌اند و * دو نفر از رفقای اسد سر به نیست هستند. نتیجه می‌گیریم که همه ملاک‌ها، دلیل بر مجهول بودن اصطلاح سر به نیست شدن است. در مورد اصطلاح دست به سر شدن (۲۸-ب) نیز وضع به همین منوال است.

۲۷-الف- سر به نیست کردن: اگر آقا بفهمد که ما با شما حرف زده‌ایم ممکن است ما را هم سر به نیست کند (پزشک‌زاد، ۱۳۵۱: ۴۳).

ب- سر به نیست شدن: دو نفر رفقای اسد ... میان راه، پایین یزد، سر به نیست شده بودند (آل احمد، ۱۳۲۶: ۲۳).

۲۸-الف- دست به سر کردن: و نه جرأت می‌کردند به او چیزی بگویند و دست به سرش کنند (آل احمد، ۱۳۴۵: ۴۹-۵۰).

ب- دست به سر شدن: ناظم به بچه‌هایی می‌ماند که در مجلس بزرگترها خوابشان می‌گیرد و دلشان هم نمی‌خواهد دست به سر شوند (همان: ۶۲).

۴-۱-۶- تغییرپذیری نقشی

در تغییرپذیری نقشی، یک صورت اصطلاحی برای بیان نقش‌های متفاوت نحوی به کار می‌رود. تغییرپذیری نقشی، تبیین‌کننده نشاننداری اصطلاحات از منظر اقتصاد زبانی است،

یعنی یک صورت اصطلاحی، دو یا چند نقش بر عهده دارد. داده‌های پژوهش تغییرپذیری نقشی را به صورت نقش قیدی و نقش اسمی نشان داد.

۲۹-الف- سر بسته (قید): همین قدر سر بسته می‌گویم که موقع بسیار وخیم است و باید دست به اقداماتی زد (هدایت، ۱۳۳۰:ب:۱۳۳).

ب- سر بسته (صفت): تا بحال ما راز سر بسته برای هم نداشته‌ایم (شهری، ۱۳۵۷: ۵۲-۵۳).

۳۰-الف- سردستی (صفت): بنای قهوه‌خانه ساده بود و سردستی بود (آل احمد، ۱۳۵۶: ۱۹۸).

ب- سردستی (قید): مادرم جارویی سردستی به فرش کشید (شهری، ۱۳۷۲: ۱۳۳).

۴-۱-۷- اضافه‌سازی نحوی

اضافه‌سازی نحوی در داده‌های پژوهش به صورت افزودن متمم حرف‌اضافه‌ای مشاهده شد (۳۱ و ۳۲). گاهی هم یک اصطلاح ممکن است عبارت اصطلاحی دیگری را برای تأکید به همراه داشته باشد (۳۳-ب). اضافه‌سازی نحوی از منظر معنایی موجب خاص‌شدگی معنایی می‌گردد (لانگلوتز، ۲۰۰۶: ۱۸۱). به کلامی دیگر، هرگونه افزایش در صورت باعث تأثیرگذاری در معنا و محدود شدن آن به مقوله‌های اضافه‌شده می‌شود.

۳۱- سر کسی ایستادن: کوکب خانم سر عمله و بنا تنوی حوض خانه ایستاده بود (فصیح، ۱۳۵۲: ۱۷۱).

۳۲- سر کسی را گرم کردن: موقع تماشای باغ سرم را به پروانه‌ها و درخت‌ها و بزغاله‌هایی رنگی که زیر درخت عناب بسته بود گرم می‌کردم (بهرامی، ۱۳۴۷: ۵۲).

۳۳-الف- روی سر خود گذاشتن: شوهرم من را می‌پرستید و روی سرش می‌گذاشت (هدایت، ۱۳۳۰: الف: ۷۸).

ب- روی سر خود گذاشتن و حلواحلو کردن: دوست و رفیق کم‌عیب‌تر از این را باید انسان روی سرش گذاشته حلواحلوایش کند (شهری، ۱۳۵۶: ۲۷۱).

بررسی داده‌های پژوهش ۹۰ تغییرپذیری نحوی را در ۷۷ اصطلاح نشان داد. تفاوت ارقام به این خاطر است که بعضی اصطلاحات بیش از یک نوع تغییرپذیری داشته‌اند. فرایندهای تغییرپذیری نحوی ۶۳ مورد جابه‌جایی نحوی، ۲۰ مورد اضافه‌سازی و ۷ مورد حذف بوده‌است. بنابراین دامنه فرایندهای تغییرپذیری نحوی را می‌توانیم به صورت زیر نشان دهیم:

۳۴- دامنه فرایندهای تغییرپذیری نحوی: جابه‌جایی < اضافه‌سازی < حذف

براساس این دامنه، هرچه به سمت چپ پیش برویم از میزان فرایندهای تغییرپذیری

نحوی کاسته می‌شود.

۲-۴- تغییرپذیری معنایی

تغییرپذیری معنایی در اصطلاحات را در فرایندهای چندمعنایی و ایهام‌سازی بررسی کرده‌ایم.

۱-۲-۴- چندمعنایی

چندمعنایی به شرایطی اطلاق می‌گردد که یک صورت زبانی دو یا چند معنی مرتبط به هم داشته باشد. چندمعنایی در سطح تکواژ، واژه، گروه و جمله قابل بررسی است. صفوی (۱۳۹۲): ۱۱۱-۱۱۳) نمونه‌هایی از چندمعنایی در زبان فارسی را آورده‌است: تکواژ دستوری- /ر در واژه‌هایی نظیر خریدار، گرفتار و دیدار به ترتیب معنی فاعلی، مفعولی و مصدری دارد. تکواژ سر در واژه‌هایی چون سرپاسبان، سرحد و سرشیر نشانگر چندمعنایی در سطح تکواژهای قاموسی است. همچنین، برای نشان دادن چندمعنایی در سطح گروه و جمله می‌توان به ترتیب، بند کیف چرمی و /و مثل ما درسخوان نیست را عنوان کرد که هر کدام دو تعبیر دارند. تکرار واژه روشن با معانی مرتبط در جمله‌های چراغ را روشن کن، هوا روشن شد، لباس آبی روشن پوشیده و مسئله برایم روشن شد، نمونه‌هایی از چندمعنایی واژگانی است.

برای تشخیص چندمعنایی در اصطلاحات، دو ملاک شم زبانی (سعید، ۲۰۰۹: ۶۴) و اشتراک در مؤلفه معنایی (قنبری، ۱۳۷۷) را در نظر گرفتیم. اصطلاح (۳۵-الف) به معنای /استراحت کردن و اصطلاح (۳۵-ب) به معنای مردن است. این دو صورت هم‌معنا هستند زیرا مفهوم مشترک [دراز کشیدن] را می‌توان برای آنها در نظر گرفت. همچنین، اصطلاح (۳۶-الف) به مفهوم کشتن به‌طور مخفیانه و اصطلاح (۳۶-ب) به مفهوم با فریب دور کردن، در مؤلفه معنایی [دور کردن موقت یا دائم کسی با فریب] اشتراک دارند. البته، علاوه بر مؤلفه‌های یادشده، می‌توانیم به شم زبانی نیز استناد کنیم تا به چندمعنایی اصطلاحات یادشده پی ببریم. در داده‌های پژوهش، ۳۰ اصطلاح چندمعنا را براساس ملاحظات یادشده یافتیم.

۳۵-الف- سر خود را زمین گذاشتن: حالا حال ندارم. می‌خواهم یک دقیقه سرم را بگذارم زمین (میرصادقی، ۱۳۵۰: ۱۱۴-۱۱۵).

ب- سر خود را زمین گذاشتن: سرش را بگذارد زمین دست به هیچ‌جا بند نیست (بهرامی، ۱۳۵۸: ۱۴).

۳۶-الف- سر کسی را زیر آب کردن: تو یک موقع با آنها بودی و حالا که می‌خواهی خودت را بکشی کنار می‌خواهند سرت را بکنند زیر آب (میرصادقی، ۱۳۶۸: ۲۲۰).

ب- سر کسی را زیر آب کردن: امشب دوستعلی خان سر خانمش را کجا زیر آب کرده که او را با خود به مجلس مهمانی نیاورده‌است (پزشکزاد، ۱۳۵۱: ۲۱۲).

۴-۲-۲- ایهام‌سازی

ایهام‌سازی به معنای فعال‌سازی معنای غیراصطلاحی در کنار معنای اصطلاح است. این کار به کمک واژه‌هایی انجام می‌شود که با واژه‌های موجود در اصطلاح به نوعی ارتباط معنایی دارند. در مثال (۳۷)، واژه غیراصطلاحی ماهی و واژه درون اصطلاح آب با هم مرتبط هستند. اصطلاح (۳۸) هم در نجفی (۱۳۷۸: ۸۸۸) به مفهوم «مشکل غیرمترقی پدید آمدن که حل آن ناممکن بنماید» آمده است. فعل درآوردن و صفت اشاره آن که خارج از اصطلاح آمده است، به نوعی معنای تحت‌اللفظی خارج کردن سر گاو از داخل خمره را تداعی می‌کند.

۳۷- سر (خود را) زیر آب کردن: به این آسانی‌ها نمی‌گذارم آن ماهی آزاد خانگی هر جا دلش خواست سرش را زیر آب کند و راهش را بکشد و برود (صفوی، ۱۳۵۰: ۱۵۶).

۳۸- سر گاو در خمره گیر کردن: سر گاو در خمره گیر کرده بود ... خود دخو هم از درآوردن آن عاجز است چه برسد به من و تو (دهباشی، ۱۳۶۴: ۷۳).

بررسی شواهد پژوهش، در ۳۳ مورد تغییرپذیری معنایی از انواع چندمعنایی و ایهام‌سازی را نشان داد که هر دو مورد جزء فرایندهای اضافه‌سازی معنایی هستند. از آنجاکه فرایند متفاوت دیگری برای تغییرپذیری معنایی مشاهده نشد، نمی‌توانیم دامنه‌ای برای فرایندهای تغییرپذیری معنایی ارائه نماییم.

۴-۳- تغییرپذیری واژگانی

تغییرپذیری واژگانی در اصطلاحات به صورت فرایندهای اضافه‌سازی، جایگزینی و حذف مشاهده شده است. فرایند اضافه‌سازی شامل افزودن اسم، صفت و قید به اصطلاح است. هرگونه اضافه‌سازی از منظر معنایی موجب خاص‌شدگی یا معناپذیری (نک. بخش‌های ۳-د و ۳-ل) می‌شود. در فرایند جایگزینی، اسم، فعل و حرف اضافه به اصطلاح اضافه می‌شود و حذف نیز تنها به صورت حذف فعل مشاهده شد.

۴-۳-۱- اضافه‌سازی اسم

۳۹- الف- درد و بلای کسی توی سر کسی خوردن: درد و بلات بخوره توی سر نصراالله (آل احمد، ۱۳۴۶: ۲۵۹).

ب- درد و بلای کسی توی (کاسه) سر کسی خوردن: ببین آن بچه نصف توست ... الهی درد و بلاش بخوره توی کاسه سرت! (هدایت، ۱۳۳۳: ۹).

۴۰- الف- سر نخ دست کسی بودن: ... یک روز شیر سر منبع را بستند تا هندی‌ها بدانند که سر نخ دست

کیست (آل احمد، ۱۳۴۶: ۲۵۴).

ب- سر نخ (کارها) دست کسی بودن: سر نخ کارها هنوز دست آقا سید است (همان: ۲۴۵).

۴-۳-۲- اضافه‌سازی صفت

۴۱- الف- از سر کسی دست برداشتن: اگر انگلیسی‌ها امروز گرفتار جنگ با هیتلر نبودند محال بود دست از سر آقا بردارند (پزشکزاده، ۱۳۵۱: ۱۶۶).

ب- از سر (کچل) کسی دست برداشتن: چرا ولم نمی‌کنی؟ چرا دست از سر کچلم برنمی‌داری؟ (هاشمی، ۱۳۴۸: ۲۱۰).

۴۲- الف- سر کسی را کلاه گذاشتن: می‌خواستی سر حاجی را کلاه بگذاری؟ (آل احمد، ۱۳۴۵: ۱۷۱).

ب- کلاه (گشاد) سر کسی گذاشتن: شب خوابش نبرده بود و هی با خودش کلنجار رفته بود: چه کلاه گشادی سرم گذاشتند (میرصادقی، ۱۳۶۸: ۴۱).

۴-۳-۳- اضافه‌سازی قید

۴۳- از سر کسی (خیلی خیلی) زیاد بودن: اگر از شوهر شانس نداشت عوضش از داماد حسابی شانسش گرفت. از سر دخترهایش خیلی خیلی زیادند (چهل‌تن، ۱۳۵۸: ۹).

۴۴- سر تغار کسی (که) پایین رفتن: واه از دست این مردها که سر تغارشان که پایین می‌رود خیال می‌کنی دنیا واسشان به آخر رسیده (شهری، ۱۳۵۷: ۲۹۳).

۴-۳-۴- جایگزینی اسم

۴۵- الف- دود از سر کسی بلند شدن: از دیدن این عکس دود از سر منوچهر بلند شد (هدایت، ۱۳۳۰: ۱۰۱).

ب- دود از کله کسی بلند شدن: به محض اینکه چشمشان به خط و مهر میرزا اسدالله افتاده بود، دود از کله‌شان بلند شده بود (آل احمد، ۱۳۴۰: ۲۰).

مثال (۴۵- الف) با واژه سر و مثال (۴۵- ب) با واژه کله به کار رفته‌است. البته، اسامی جایگزین در یک اصطلاح لزوماً در همه اصطلاحات دیگر قابل جایگزینی نیستند. مثلاً، در اصطلاح کله پا شدن (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۱۷۳) نمی‌توان واژه کله را با حفظ معنای یکسان اصطلاحی با واژه سر جایگزین کرد.

۴-۳-۵- جایگزینی فعل

در برخی جابه‌جایی‌های نحوی مانند سببی‌شدگی، صورت فعل تغییر می‌یابد یا با صورتی دیگر جایگزین می‌شود. این حالت از تغییرپذیری به واسطه تغییرپذیری در نقش نحوی است (نک. مثال‌های بخش ۴-۱-۴). در اینجا منظور از جایگزینی فعل، امکان جابه‌جا شدن یک فعل با فعلی دیگر است بدون آنکه در نقش نحوی اصطلاح تغییری پدید آید.

- ۴۶- الف- سر خر خود را برگرداندن: اگر می‌خواهید از گرسنگی نترکید همین الان سر خرتان را برگردانید و بروید (هدایت، ۱۳۲۳: ۳۲).
- ب- سر خر خود را کج کردن: یا الله! سر خر را کج کن برویم هتل (مدنی، ۱۳۲۳: ۱۶۶).
- ۴۷- الف- زیر سر گذاشتن: به سلامتی کسی را هم برایش زیر سر گذاشته‌اید (پزشکزاد، ۱۳۵۱: ۲۲۹).
- ب- زیر سر کردن: دختر یکی از همسایه‌ها را زیر سر کرده که روزی برای پسرش برود خواستگاریش (شاملو، ۱۳۵۰: ۵۶۳).

۴-۳-۶- حذف فعل

- ۴۸- آن سرش ناپیدا بودن: قشقرقی به پا شد که آن سرش ناپیدا (هدایت، ۱۳۲۳: ۷).
- ۴۹- نه سر پیاز بودن نه ته پیاز: من کاره ای نیستم ... من نه سر پیازم نه ته پیاز (میرصادقی، ۱۳۶۸: ۱۴۵).
- در بررسی شواهد تحقیق، هر یک از فرایندهای اضافه‌سازی و جایگزینی واژگانی به‌طور برابر در ۳۰ اصطلاح مشاهده شد. فرایند حذف فقط در ۲ اصطلاح دیده شد و هیچ نمونه‌ای برای فرایند جابه‌جایی واژگانی نیافتیم.

۴-۴- تغییرپذیری واژی-نحوی

تغییرپذیری واژی - نحوی به صورت اضافه‌سازی یای نکره و جمع‌سازی در ۱۵ اصطلاح مشاهده شد. البته منظور از جمع‌سازی به‌عنوان یک فرایند تغییرپذیری، صرفاً وجود نشانه‌های جمع در اصطلاحات نیست، زیرا صورت بی‌نشان اسم در برخی اصطلاحات مثل سر کسی توی سرها بلند بودن (نجفی، ۱۳۷۸: ۸۸۳)، خودش به صورت جمع است. همچنین، در تغییرپذیری واژی - نحوی، تصریف افعال اصطلاحی را جزء موارد تغییرپذیری به شمار نیاوردیم. افعال، چه در اصطلاح و چه غیر آن، بالقوه از منظر زمان، وجه و نمود تصریف می‌شوند و این ربطی به تغییرپذیری ندارد.

۴-۴-۱- یای نکره

- ۵۰- سر نخ: به این وسیله می‌خواست سرنخی به دست آسپیران بدهد (پزشکزاد، ۳۷۴: ۱۳۵۱).
- ۵۱- سر زدن: خدا به همراهت عمو. باز هم سری به ما بزن (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۱۱۰).

۴-۴-۲- جمع‌سازی

- ۵۲- سر کسی به کلاهش ارزیدن: همه مردم این کشور که سرشان به کلاهشان می‌ارزد را می‌شناسید (نوشین، ۱۳۲۶: ۹۲).

۵۳- الف- سرجنبان: من یکی از سرجنبان‌های انقلاب بودم (هدایت، ۱۳۳۰: ب: ۶۵).
ب- در تهران هنوز سرجنبانان را خفه نکرده بودند (بزرگ علوی، ۱۳۵۷: ۱۳).

۴-۵- تغییرپذیری چندگانه

بررسی اصطلاحات نشان داد که برخی اصطلاحات، بیش از یک نوع تغییرپذیری را نشان می‌دهند. به این حالت تغییرپذیری چندگانه می‌گوییم. در بررسی‌ها، ۶۲ اصطلاح را با تغییرپذیری چندگانه یافتیم. مثلاً، اصطلاح سر به راه (نجفی، ۱۳۷۸: ۸۶۱)، به مفهوم معقول و آرام، در مثال (۵۴-الف) به صورت مصدری به کار رفته‌است و از نوع جابه‌جایی نحوی است. به این اصطلاح در مثال (۵۴-ب) عبارت اصطلاحی پا به راه اضافه شده‌است که از نوع اضافه‌سازی نحوی است و نقش تأکیدی دارد. در مثال (۵۴-ج) هم یای نکره گرفته‌است و تغییرپذیری واژی - نحوی را نشان می‌دهد.

۵۴- الف- مادر رضا زیر پای مختار نشسته بود که برای سر به راه کردن رضا یکی را برای رضا بگیرد (فصیح، ۱۳۵۲: ۱۶۸).

ب- ولگردیها و عدم دقت در درس و مشق از بین رفته سر به راه و پا به راه می‌شد (شهری، ۱۳۵۷: ۵۰۱).
ج- معقول بچه‌ای بود سری به راه پایی به راه (هدایت، ۱۳۳۰: ۵۵).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اول مقاله این است که چه انواعی از تغییرپذیری در اصطلاحات زبان فارسی وجود دارد؟ برای پاسخ، ۲۴۸ اصطلاح نام اندامی را در بافت‌های مختلف بررسی کردیم. نتیجه این بود که در ۱۲۱ اصطلاح، تغییرپذیری در سطوح نحوی، معنایی، واژگانی و واژی-نحوی مشاهده شد. براساس یافته‌های این پژوهش، حدود ۵۰ درصد از اصطلاحات فارسی تغییرپذیرند. همچنین، با احتساب اینکه در ۶۲ اصطلاح، بیش از یک نوع تغییرپذیری وجود داشت، تعداد کل اصطلاحات تغییرپذیر به ۱۸۳ رسید. از این میان، تغییرپذیری نحوی در ۷۷ اصطلاح، تغییرپذیری واژگانی در ۶۲ اصطلاح، تغییرپذیری معنایی در ۳۳ اصطلاح و تغییرپذیری واژی - نحوی در ۱۵ اصطلاح مشاهده شد. بنابراین، دامنهٔ سطوح تغییرپذیری را می‌توانیم به صورت زیر نشان دهیم.

۵۵- دامنهٔ سطوح تغییرپذیری در اصطلاحات زبان فارسی:

نحوی < واژگانی < معنایی < واژی - نحوی

در این دامنه هرچه به چپ پیش برویم از فراوانی تغییرپذیری کاسته می‌شود. بر این اساس، اصطلاحات زبان فارسی، به تغییرپذیری در سطح نحوی تمایل بیشتری دارند. بنابراین، فرضیه اول مقاله تأیید شد.

پرسش دوم مقاله این است که تغییرپذیری به واسطه چه فرایندهایی انجام می‌شود؟ بررسی شواهد تحقیق نشان داد تغییرپذیری در اصطلاحات با چهار فرایند اضافه‌سازی (با فراوانی ۱۰۳ مورد در هر چهار سطح نحوی، واژگانی، معنایی و واژی - نحوی)، جابه‌جایی (با فراوانی ۶۳ مورد در سطح نحوی)، جایگزینی (با فراوانی ۳۰ مورد در سطح واژگانی) و حذف (با فراوانی ۹ مورد در سطوح نحوی و واژگانی) انجام می‌شود. در نتیجه، فرضیه دوم مقاله هم تأیید شد. بر این اساس، می‌توانیم دامنه فرایندهای تغییرپذیری را به صورت زیر نشان دهیم.

۵۶- دامنه فرایندهای تغییرپذیری در اصطلاحات زبان فارسی:

اضافه‌سازی < جابه‌جایی < جایگزینی < حذف

ملاحظه می‌شود که اصطلاحات به اضافه‌سازی در هر چهار سطح نحوی، معنایی، واژگانی و واژی - نحوی تمایل بیشتری دارند.

پرسش سوم مقاله این است که تبیین تغییرپذیری در اصطلاحات زبان فارسی از منظر نقشی چیست؟ یعنی اصولاً چرا اصطلاحات در بافت تغییر می‌کنند؟ برای پاسخ، فرایندهای تغییرپذیری اصطلاحات را با توجه به دو عامل نقشی تصویرگونگی و اقتصاد بررسی می‌کنیم. تصویرگونگی و اقتصاد از مهم‌ترین تبیین‌های نقشی هستند (کرافت، ۲۰۱۱). اصل تصویرگونگی بر این فرض استوار است که ساختار زبان به طریقی ساختار تجربه را نشان می‌دهد (هاسپلمت^۲، ۲۰۰۸؛ کرافت، ۲۰۰۳: ۱۰۲) و براساس اصل اقتصاد، عناصر زبان باید تا کمترین حد کاهش یابند (کرافت، ۲۰۰۳: ۱۰۲). این دو اصل در عین اینکه با هم در رقابت هستند، بین آنها هماهنگی نیز وجود دارد. یک نمونه از این هماهنگی را می‌توانیم در اصطلاحات چندمعنا بیابیم. اصطلاحات چندمعنا (۳۵ و ۳۶)، در عین اینکه بر مفاهیم مختلف دلالت دارند و از منظر زبانی اقتصادی هستند، مفاهیم آنها نیز به هم نزدیک هستند و از این لحاظ تصویرگونگی دارند (کرافت، ۲۰۰۳: ۱۰۶).

1. Croft
2. Haspelmath

بررسی‌ها نشان داد که کمترین فرایند تغییرپذیری، فرایند حذف است (دامنه ۵۶). به نظر می‌رسد دلیل نبود تمایل به حذف یا همان کاهش بیشتر صورت در اصطلاحات این است که اصطلاحات خود به اندازه کافی موجز و اقتصادی هستند و مفاهیمی را که نوعاً بیان می‌کنند به اندازه کافی پیچیدگی دارند. از این رو، اصطلاحات با کاستن بیشتر صورت، بر پیچیدگی صوری و مفهومی خود نمی‌افزایند. چه اینکه، گاه کاهش صورت منجر به پیدایش اصطلاحی دیگر می‌شود! مثلاً، اصطلاح چندمعنای سر در آوردن (نجفی، ۱۳۷۸: ۸۷۱) با مفهوم معنایی مشترک [رسیدن به مقصد] را در نظر می‌گیریم:

۵۷-الف- سر در آوردن (به مفهوم پیداشدن، پدیدار شدن): تمام کسانی که آن روزها مظنون بودند ... آن روزها دوباره سر در آورده‌اند. (بزرگ علوی، ۱۳۵۷: ۱۳۰)

ب- سر در آوردن (به مفهوم ناگهان به جایی رسیدن): رفتند و رفتند و رفتند تا از بیابان‌های بی‌آب و علف سر در آوردند. (هدایت، ۱۳۲۳: ۵۴-۵۵)

ج- سر در آوردن (به مفهوم کار کسی به جایی نامطلوب کشیده شدن): خودم را آلاخون و آلاخون کردم و همه زندگیم را هم رویش گذاشتم، که خدا عالم است آخرش هم سر از کجا در بیاورد. (شهری، ۱۳۵۷: ۳۳۹)

حال اگر صورت اصطلاح ۵۷ را به سر آوردن (نجفی، ۱۳۷۸: ۸۵۸) تقلیل دهیم، معنایی متفاوت حاصل می‌شود:

۵۸- سر آوردن (به مفهوم با شتاب به جایی وارد شدن): چه خبر است؟ در را از جا کنیدی. مگر سر آوردی؟ (اصغری، ۱۳۷۷: ۹۱)

فرایند جایگزینی نیز فقط در سطح واژگانی مشاهده شد. برای بررسی دلایل تغییرپذیری در این سطح، باید عوامل غیرنقشی را جست‌وجو کرد. مثلاً، جایگزینی واژه سر با کله در اصطلاح دود از سر / کله کسی بلند شدن (مثال ۴۵-الف و ۴۵-ب) نوعی تمایز سبکی است. واژه سر رسمی‌تر از کله است.

اما فرایندهای اضافه‌سازی و جابه‌جایی نحوی در مجموع با فراوانی ۱۶۲ (۶۳ جابه‌جایی نحوی و ۹۹ اضافه‌سازی در همه سطوح) از مجموع ۱۸۳ مورد تغییرپذیری مشاهده شده، بیشترین موارد تغییرپذیری را شامل می‌شوند. در اینجا براساس نظرات هسپلمت (۲۰۰۸) و در قالب تصویرگونگی کمیت و تصویرگونگی پیچیدگی به تبیین این دو فرایند می‌پردازیم.

تصویرگونگی کمیت به این معنی است که هرچه کمیت معنایی بیشتر باشد، کمیت صورتی که آن معنا را نشان می‌دهد نیز بیشتر است. به عنوان مثال در اکثر زبان‌ها صورت مفرد از صورت جمع کوچک‌تر است زیرا طبق تبیین تصویرگونگی، معنای مفرد از معنای

جمع کمتر است. پس، هرچه معنا کمتر باشد صورت کوچک‌تر است. تصویرگونگی پیچیدگی هم به این صورت است که معنی‌های پیچیده‌تر با صورت‌های پیچیده‌تر بیان می‌شود. به کلام دیگر، معناهای نشان‌دار صورت‌های نشان‌دار هم دارند. مثلاً، ساخت‌های سببی به لحاظ معنایی پیچیده‌تر از شکل غیرسببی خود هستند، پس با عبارت پیچیده‌تری بیان می‌شوند؛ مانند فعل سببی صرفی خوراندن در مقایسه با صورت غیرسببی خوردن (راسخ‌مهند، ۱۳۹۶: ۹۳). براساس دامنه فرایندهای تغییرپذیری (۵۶)، اصطلاحات فارسی به اضافه‌سازی در سطوح نحوی، معنایی، واژگانی و واژی - نحوی گرایش بیشتری دارند. مثال‌های (۳۱)، (۳۲) و (۳۳) - (ب) نشان می‌دهند که با افزایش کمیت معنا بر کمیت صورت هم افزوده می‌شود. فرایند اضافه‌سازی در سطح واژگانی (۳۹ تا ۴۴) نیز با افزایش صورت همراه است. اضافه‌سازی در سطح معنایی به صورت چندمعنایی و ایهام‌سازی (۳۵ تا ۳۸) وجود دارد و در سطح واژی - نحوی (۵۰ تا ۵۳) با افزودن نشانه‌های جمع و یای نکره همراه است. همه این موارد، گواه بر افزایش صورت به واسطه افزایش در معناست. به عبارت دیگر، فرایند اضافه‌سازی نشان‌دهنده تصویرگونگی کمیت است. از آنجاکه در پژوهش حاضر، تغییرپذیری بیشتر به صورت اضافه‌سازی در سطوح نحوی، معنایی، واژگانی و واژی - نحوی مشاهده شد (دامنه ۵۶)، پس دلیل اصلی تغییرپذیری در اصطلاحات، تصویرگونگی کمیت است.

حال به بررسی جابجایی‌های نحوی از منظر تصویرگونگی و اقتصاد می‌پردازیم. در پس‌اندش‌دگی (۱۹ و ۲۰) و قلب نحوی (۲۱ و ۲۲) صورت اصطلاح به واسطه تغییر در توالی متعارف نحوی، نشان‌دار می‌شود. این نشان‌داری، تصویرگونگی پیچیدگی را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، صورت پس‌اندش‌شده و نشان‌دار سرم دوانده/ند، پیچیده‌تر از صورت بی‌نشان کسی را سر دواندن است (۲۱). این پیچیدگی ناشی از حرکت مفعول از جایگاه بی‌نشان خود در قبل از اسم (سر) به جایگاه نشان‌دار پس از اسم و تبدیل آن به شناسه است. اسم مصدرش‌دگی نیز نمونه‌ای از تصویرگونگی پیچیدگی است که در آن، فعل با برخی تغییرات صوری، تبدیل به اسم مصدر می‌شود. در مثال (۲۴-ب) صورت فعلی سر در گم کردن با از دست دادن هم‌کردن و افزودن ی به صورت اسم مصدر درآمده است. سببی‌شدگی هم نشانه تصویرگونگی پیچیدگی است زیرا با افزودن کنشگر به جمله (۲۵-ب و ۲۶-ب) افعال ناگذرا به افعال گذرای سببی تبدیل شده‌اند. در نتیجه، با تغییر ظرفیت افعال، بر پیچیدگی آنها افزوده شده است. در مجهول‌شدگی نیز حذف کنشگر باعث پیچیده‌تر شدن صورت فعل

مجهول می‌گردد (۲۷ب و ۲۸-ب). تنها نمونه غلبه اصل اقتصاد بر تصویرگونی در جابه‌جایی نحوی را در تغییرپذیری نقشی یافتیم (۲۹ و ۳۰) که یک صورت دو نقش را بر عهده دارد و از این منظر، اقتصادی است. نتیجه حاصل از بحث این است که جابه‌جایی نحوی در اصطلاحات، به جز تغییرپذیری نقشی، به واسطه تصویرگونی پیچیدگی است.

اینک در پاسخ به پرسش سوم مقاله می‌توانیم بگوییم که اصطلاحات به واسطه فرایندهای اضافه‌سازی و جابه‌جایی نحوی، تغییر می‌یابند تا از منظر کمیّت و پیچیدگی، تصویرگونه باشند. همین‌طور، چندمعنایی، ایهام‌سازی، تغییرپذیری نقشی و حذف، نشانه‌هایی از رعایت اصل اقتصاد در اصطلاحات هستند.

منابع

- راسخ‌مهند، م. ۱۳۸۸. گفتارهایی در نحو، تهران: مرکز.
- _____ ۱۳۹۶. نحو زبان فارسی: نگاهی نقشی-رده‌شناختی. تهران: آگه.
- راسخ‌مهند، م. و شمس‌الدینی، م. ۱۳۹۱. «طبقه‌بندی معنایی اصطلاحات فارسی از دیدگاه زبانشناسی شناختی». *ادب‌پژوهی*، (۲۰): ۱۱-۳۲.
- راسخ‌مهند، م. و قیاسوند، م. ۱۳۹۳. «بررسی پیکره‌بنیاد تأثیر عوامل نقشی در قلب نحوی کوتاه فارسی». *دستور*، (۱۰): ۱۶۳-۱۹۷.
- صفوی، ک. ۱۳۹۲. *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- طباطبایی، ع. ۱۳۹۵. *فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- طبیب‌زاده، ا. ۱۳۹۳الف. *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی*. تهران: مرکز.
- _____ ۱۳۹۳ب. «طبقه‌بندی و ضبط افعال اصطلاحی فارسی». *نشر دانش*، (۴): ۲۰-۲۴.
- _____ ۱۳۹۳ج. «تناوب‌های آغازی / سببی و معلوم / مجهول در فارسی». *ادب‌پژوهی*، (۳۰): ۲۸-۹.
- عمید، ح. ۱۳۸۸. *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
- قنبری، ع. ۱۳۷۷. *بررسی مسئله چندمعنایی در زبان فارسی*، رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی: تهران.
- نجفی، ا. ۱۳۷۸. *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.
- نغزگوی کهن، م. و ملکی، س. ۱۳۹۸. «طرحواره‌های مالکیت در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، دانشگاه اصفهان. (۲۰): ۳۳-۴۸.

- Chomsky, N. 1980. *Rules and Representations*, New York: Colombia University Press.
- Croft, W. and D. A. Cruise. 2004. *Cognitive Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Culicover, W, Ray J. and J. Audring. 2017. "Multiword Constructions in the Grammar". *Topics in cognitive sciece*, 1-17.
- Dong, Q. P. 1971. "The Applicability of Transformation to Idioms". *Papers from the 7th Regional Meeting of the Chicago Linguistic Society*, 198-205.
- Filmore, Ch. J., P. Kay and K. O'corner. 1988. "Regularity and Idiomaticity in Grammatical Constructions: The Case of Let Alone". *Language*: (64):501-538.
- Fraser, B. 1970. "Idioms within a Transformational Grammar". *Foundations of Language*, 6(1):22-42.
- Geerart, k. 2016. *Climbing on the Bandwagon of Idiomatic Variation: A Multi-Methodological Approach*, Ph.D Dissertation. University of Alberta.
- Haspelmath, M. 2008. "Frequency vs. Iconicity in Explaining Grammatical Asymmetries". *Cognitive Linguistics*, 19(1):1-33.
- Katz, J., and Postal, P. 1963. "The Semantic Interpretation of Idioms and Sentences Containing Them". *MIT Research Laboratory of Electronic Quarterly Progress Report*, (70):275-282.
- Kovecses, Z., and Szabo, P. 1996. "Idioms: A View from Cognitive Semantics". *Applied Linguistics*, (17):326-355.
- Langlotz, A. 2006. *Idiomatic Creativity*, Amsterdam: John Benjamins Publishing Co.
- Liu, W. and H., Shen. 2013. "Cite space II: Idiom study development trends". *Journal of Arts and Humanities*, (2):85-97.
- Machonis, P. A. 1985. "Transformations of Verb Phrase Idioms: Passivization, Particle Movement, Dative Shift». *American Speech*, (60):291-308.
- McCarthy, M. and F., O'Dell. 2002. *English Idioms in Use*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Makkai, A. 1972. *Idiom Structure in English*, The Hague: Mouton.
- Moon, R. 1998. *Fixed Expressions and Idioms in English*, Oxford: Oxford University Press.
- Nunberg, G., I.A., Sag, and T. Wasow. 1994. "Idioms". *Language*, (70):491-538.
- Saeed, J. 2009. *Semantics*, 3rd edition. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Schroder, D. 2013. *The Syntactic Flexibility of Idioms. A Corpus-Based Approach*, Munchen: Akademische Verlagsgemeinschaft.
- Senaldi, M., S., G. 2015. *Casting light on Idiom Flexibility: A Corpus-Based Approach*, M.A thesis. University of Pisa.
- Stone, M. S. 2016. *The Difference between Bucket-Kicking and Kicking the Bucket: Understanding Idiom Flexibility*, Ph.D Dissertation. University of Washington.

- Weinreich, U. 1966. "Problems in the analysis of idioms". in *Proceedings of the Summer 1966 Linguistic Forum at the University of California, Los Angeles* (ed. By Jaan Puhvel): 23-81.
- Wood, M. McGee. 1986. *A Definition of Idiom*, Bloomington, In: Indiana University Linguistics Club.
- Wulff, S. 2008. *Rethinking Idiomaticity: A Corpus-Based Approach*, London: Continuum.

شواهد پژوهش

- آل احمد، ج. ۱۳۲۶. / از رنجی که می‌بریم، تهران: بی‌نا.
- _____ . ۱۳۴۵. خسی در میقات، تهران: نیل.
- _____ . ۱۳۳۱. زن زیادی، تهران: بی‌نا.
- _____ . ۱۳۳۳. سرگذشت کندوها، تهران: بی‌نا.
- _____ . ۱۳۴۰. نون والقلم، تهران: کتاب زمان.
- _____ . ۱۳۴۵. مدیر مدرسه، تهران: کتابهای پرستو.
- _____ . ۱۳۴۶. نفرین زمین، تهران: نیل.
- _____ . ۱۳۵۶. سه تار، تهران: امیرکبیر.
- استانکو، ز. ۱۳۵۰. پابره‌نه‌ها، ترجمه ا. شاملو. تهران: کتاب زمان.
- بابامقدم، ر. ۱۳۴۸. /اسب، تهران: صفی‌علیشاه.
- بزرگ علوی، م. ۱۳۵۷. نامه‌ها، تهران: امیرکبیر.
- بهرامی، م. ۱۳۴۷. «باغ غم». مجله جنگ اصفهان، دفتر هفتم. اصفهان.
- _____ . ۱۳۵۸. «سقاخانه آینه». مجله کتاب جمعه، تهران.
- پزشک‌زاد، ا. ۱۳۵۱. دایی جان ناپلئون، تهران: صفی‌علیشاه.
- _____ . ۱۳۵۶. آسمون ریسمون، تهران: امیرکبیر.
- چهل‌تن، ا. ۱۳۵۸. «درد پنجم». مجله کتاب جمعه، تهران.
- دهباشی، ع. ۱۳۶۴. نامه‌های جلال آل احمد، تهران: پیک.
- شهری، ج. ۱۳۵۶. حاجی دوباره. تهران: بی‌نا.
- _____ . ۱۳۵۷. شکر تلخ، تهران: امیرکبیر.
- _____ . ۱۳۷۲. گزنه، تهران: معین-پروین.
- صفوی، ع. ۱۳۵۰. قایقران رود پاییز، تهران: متین.
- فصیح، ا. ۱۳۵۲. دل کور، تهران: رز.

- مدنی، ح. ۱۳۴۸. *اسمال در نیویورک*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی صدف.
- مکارمی، ا. ۱۳۴۲. *شبگرد*، تهران: آبخار.
- میرصادقی، ج. ۱۳۴۹. *درازنای شب*، تهران: کتاب زمان.
- ۱۳۵۰. *این شکسته‌ها*، تهران: رز.
- ۱۳۶۸. *کلاغها و آدمها*، مشهد: نشر نیما.
- ۱۳۶۹. *بادها خبر از تغییر فصل می‌دانند*، تهران: شباهنگ.
- مینوی، م. ۱۳۴۹. *داستان‌ها و قصه‌ها*، تهران: خوارزمی.
- نوشین، ع. ۱۳۲۶. «خروس سحر». *ضمیمه مجله مردم*، تهران.
- هاشمی، ز. ۱۳۴۸. *طوطی*، تهران: روزن.
- هدایت، ص. ۱۳۲۳. *ولنگاری*، تهران: بی‌نا.
- ۱۳۳۰ الف. *سه قطره خون*، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳۳۰ ب. *حاجی آقا*، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳۳۱. *سایه روشن*، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳۳۳. *علویه خانم*، تهران: امیرکبیر.

